

گروه حوادث - خیلی برابم خرج می کرد ، بهترین کفش و لباس ها را می خرید و پول به کارت م و اریز می کرد. من هم که یکبار بوم به خوش گذرانی می پرداختم!

از روزی که با آن زن آشنا شدم دیگر هیچ چیزی از نظر مالی کم نداشتم و هر چه می خواستم برابم فراهم می کرد اما من نمی دانستم او چه نقشه و حشمتی را در سر می پروراند. بیش از دو سال با او ارتباط داشتم و در این مدت مر آن قدر وابسته خوش کرد که دیگر برده شیطان بوم هر چه می گفت کاملاً می پذیرفتم و هر کاری از من می خواست چشم و گوش بسته انجام می دادم تا جایی که نقشه قتل شوهرش را با من در میان گذاشت تا بعد از کشتن شوهرش دنیا بی خوشبختی و خوش گذرانی را تجربه کنم اما...

این ها بخشی از اظهارات جوانی است که در پی یک آشنایی خیابانی با یک زن ۴۰ ساله، شوهر پزوسوار را به طرز هولناکی کشت تا با وعده و وعیدهای پوشالی آن زن خیانتکار به دوران خوش گذرانی و خوشبختی با پول های بادآورده برسد. او که برای ارتکاب این جنایت هولناک برادر ۲۲ساله اش را نیز با خود همراه کرده بود هجدهم تیر گذشته مرد ۲۴ ساله پزوسوار را در لانه مجردی خودش قتل رساند و روز بعد جسد او را درون در و کیسه گونی در حاشیه جاده روستای آبادآر رها کرد.

آن چه می خوانید گفت و گو با این قاتل خوش گذران است.
نامت چیست؟
سجاد-ی
متولد چه سالی هستی؟

سال ۷۳ و در یکی از روستاهای سرخس به دنیا آمدم. **در همان روستا تحصیل کردی؟**
تا رانمایی در روستا بوم اما برای ادامه تحصیل در دبیرستان کردام به مشهد آمدم.
در چه رشته ای بدیلم گرفتی؟
زراعت و باغبانی (ابتدا در خادام آباد تحصیل کردم و بعد به خوابگاه شبانه روزی طرق آمدم.
متاهلی؟
بله البته یک بار همسر را طلاق دادم و سال گذشته برای دومین بار ازدواج کردم.
چرا همسرت را طلاق دادی؟
او به دنبال پول و تفریح بود و من هم نمی توانستم از عهده مخارجش بر بیایم. به همین دلیل بعد از آن که حدود سه سال در عقد بودیم، او را طلاق دادم. آن زمان ۲۰ ساله بودم و بعد از ازدواج عازم خدمت سربازی شدم اما به دلیل این که فرار کردم و اضافه خدمت خوردم حدود ۳۵ سال خدمت سربازی ام طول کشید.
کجا خدمت کردی؟
در کلاتری های مشهد خدمت می کردم. ابتدا در پاسگاه نظامی اناد بودم و بعد هم در گوچی، سیدی، جهاد و آخر سر هم در کلاتری نجفی خدمت کردم!

چگونه با «ن» آشنا شدی؟
یک روز که زیر پل الغدیر ایستاده بودم سوار خودرواش شدم چون او مسافر کشی می کرد. همان روز مخ مر از دآن قدر از سرمایه و اموالش تعریف کرد که به هیچ وجه شدمم ای گفت هر جامشکلی داشتی به من بگو. بعد هم

برده شیطان بوم!

شماره تلفنم را گرفت و از آن روز مدام در کافه ها و رستوران ها بودیم. وقتی خدمت سربازی ام به پایان رسید، حدود یک ماه با او قطع رابطه کردم.

چرا دوباره سراغش رفتی؟
او خود شیطان بود، دوباره به بهانه سرقت تلفن خواهرش با من تماس گرفت و آن قدر وسوسه ام کرد که دیگر رام شدم و به نود و با باز گشتم. خیلی برابم خرج می کرد، بهترین کفش و لباس ها را می خرید و پول به کارت م و اریز می کرد. من هم که یکبار بوم به خوش گذرانی می پرداختم!

خانه مجردی که ششور «ن» را آن جا کشتی مال خودت بود؟
نه! آن جا را همان زن برابم اجاره کرده بود تا راحت باشم، در واقع چیزی لازم نداشتم و او همه مایحتاج من را تامین می کرد.
وقتی سیسال گذشته دوباره او نواز کردی، آن زن اعتراض نکرد؟
چرا! خیلی اعتراض می کرد او می گفت: ازدواج نکن ، هر چه خواهی من تا مینم من کنم! اگر وقتی می توانی مر از دآن قدر از سرمایه و اموالش تعریف کرد که به هیچ وجه شدمم ای گفت هر جامشکلی داشتی به من بگو. بعد هم

دختر دانشجوی مشهدی به دام رمال جوان افتاد

مادرش کمبود مهر و محبت است و دعوای کوچک از آن شکافی بزرگ درست کرده که تنها راه موجود دعای مهر و محبت است. به واسطه این دعا قلب های آن ها به هم نزدیک شده و متوجه مشکلات خودشان خواهند شد.
دختر جوان که می دید در آستانه حل نهای مشکلات زندگی اش است، درخواست کرد تا بسین دعا را برایش بنویسند. دعای گرانی که قیمتش ۳ میلیون و ۶۰۰ هزار تومان بسود. این مبلغ هر چند برایش زیاد بود اما می شد با قرض گرفتن از اطرافیان، برای همیشه مشکل خانوادگی اش را حل کند. او پول را به سختی تهیه کرد و به حساب اعلام شده از سوی رمال مجازی واریز کرد. اما پس از یک هفته نه تنها خبری از دعا و طلسم... نشد که این پیچ به روی دختر جوان بسته شد. دختر که فهمید در دام یک شیاد افتاده با مراجعه به دامسرا شکایت کرد و با در دست داشتن مرجوعه قضایی راهی پلیس فتا شد. با اعلام مشخصات این رمال مجازی، کارشناسان پلیس فتای خراسان رضوی متوجه شدند که متهم همان فردی است که از ۳ شهر توند قوچانی و کاشمیری روز ۱۳ میلیون و ۸۰۰ هزار تومان کلاهبرداری کرده است.

سرخ خراب خوبی که این دانشجو در اختیار پلیس قرار داد، منجر به شناسایی هویت اصلی متهم شد. فردی که هر روز با شگرد تازه و ایجاد صفحات جدید در فضای مجازی، طعمه های جدیدی را فریب می داد و از آن ها کلاهبرداری می کرد. تجمع سرخ های موجود در این پرزنده، با دستور تخصصی سرهنگ جواد جهانشسیری، رئیس پلیس فتای خراسان رضوی موجب شد تا متهم در شهر تهران ردزنی شود. با اطلاعات محرمانه کسب شده که ماحصل همکاری پلیس فتای خراسان رضوی و پایتخت بود، محل اختفای متهم در شهر تهران شناسایی شد.
مأموران که توانسته بودند پس از مدت های یک شاهنامه ای را شناسایی کنند، در عملیاتی پیچیده موفق به دستگیری جوانی بیست و دو ساله شدند.
متهم پیش تر نیز با اتهام های مشابهی در حوزه رمالی

گروه حوادث - جوان ۲۲ ساله که در خراسان از چند زن و مرد کلاهبرداری کرده بود در تهران به دام افتاد. همه اش را تقصیر پدرش می دانست. رفتارهای تند و بی توجهی به همسر و خانواده، دستمایه دعوای همیشگی شان بود. از زمانی که خوب و بدش را تشخیص می داد، روزی نبود که شاهد دعوای تکراری پدر و مادرش نباشد. کوچک تر که بود موقع دعا و او را به اناقش می فرستادند و تا پایان جنجال های عصبی والدینش حق بیرون آمدن نداشت. در این شرایط متشنج دختر کم کم قد کشید و بزرگ شد. اما مشکلات والدینش هم به همان نسبت بزرگ تر شده بود. آن ها در دعوایشان انتظار داشتند که دختر جانب این ها را بگیرد، در غافل از اینکه دختر دانشجو شان از این زندگی خسته شده و چند وقتی است که به دنبال یافتن راهکاری برای حل مشکل والدین بر آمده است.

در این میان ناگهان سر و کله یک رمال به زندگی آن ها باز شد، فردی که مدعی بود با دعای مهر و محبت می تواند دل های این زن و مرد میان سال را به هم نزدیک و آرزوی دیرینه دختر جوان را برآورده کند. دختر جوان برای حل مشککش وارد گردابی شد که پیش از او نیز افراد زیادی از سراسر کشور در آن غرق شده و اموالشان را باخته بودند.

اولین بار یک آگهی در فضای مجازی توجه دختر جوان را جلب کرده بود. محتوای آگهی و جملات انگیزشی به کار رفته در آن، درست همان چیزی بود که می توانست مشکلات قدیمی او و خانواده اش را حل کند. بلافاصله به صفحه اعلام شده در اینستاگرام رفت. این صفحه فالوئرهای زیادی داشت. تعداد بالای اعضای این صفحه مجازی و پیام های مثبتی که افراد مختلف پس از حل مشکلاتشان برای مدیر آن فرستاده بودند، او را مطمئن کرد که مشکلاتش به زودی حل خواهد شد. او به سراغ مدیر این صفحه اینستاگرامی رفت و مشکلاتش را بازگو کرد، از دعوای و قهرهای قدیمی و از ترس طلاق عاطفی بین پدر و مادرش برای این فرد ناشناس گفت. فرد ناشناس در پاسخ به او اعلام کرد که مشکل پدر و



قرار بود ما به عنوان مسافر سوار خودروی شوهرش شویم که بعد از ظهرها مسافر کشی می کرد و او را در جاده به قتل برسانیم تا چنین وانمود شود که در دزدان خودرو، شوهرش را کشته اند! به همین دلیل او را در خیابان گازدارها به ما نشان داد و من و برادرم به طور درستی خودرواش را به مقصد تریب جدیدی اجاره کردیم اما در بین راه به رفتار ما مشکوک شد و مقابل فروشگاه های کنار بزرگراه باغچه از خودرو پیاده کرد.

بعد از این ماجرا چه اتفاقی افتاد؟
«ن» نزد من آمد و خیلی مرا سرزنش کرد که چرا نتوانستیم شوهرش را یکشنبه بعد هم نقشه قتل را تغییر دادو شوهرش را به همین خانه مجردی کشتند که من و برادرم با هم او را کشتیم و روز بعد جسد را در کنار جاده رها کردیم.
معتادی؟
نه! روزهای آخر کنار برادرم چند دود گرفتیم اما قلبان تنباکو کشیدم چرا که آن زن خودش قلیان می کشید من هم در کنار او مصرف می کردم.
پشیمانی؟
خیلی! هر روز خواب های وحشتناکی می بینم که در تاریکی شب افرادی به سرم ریخته اند و مرا تکم می زنند یا از بالا روی میله های فلزی نوک تیز سقوط می کنم و... وجدانم خیلی ناراحت است! فریب خوردم! در آرزوی رسیدن به خوش گذرانی، زندگی ام را نابود کردم البته این عاقبت نگاه کردن به ناموس مردم است.

فکر می کردی دستگیر شوی؟
نه! نقشه آن زن زیر کانه بود اما فقط دو روز بعد

با همسر بوم ات چگونه آشنا شدی؟
او از بستگان پدرم بود. در دوران نامزدی از همسرش طلاق گرفته بود و من به خاطر آشنایی فامیلی با او ازدواج کردم.

بعد از آن دواج رابطه ات با «ن» به کجا رسید؟
او خیلی از این موضوع ناراحت بود. آن قدر به سرم خواند و مرا اجادو کرد که به همسرم تنم را طلاق می دهم. به او می گفتم من تو را دوست ندارم! همان طور که گفتم من برده شیطان بوم و هر چه آن زن تلقین می کرد به راحتی می پذیرفتم و به عاقبت حرف هایش نمی اندیشیدم.
او با همسرش اختلاف داشت؟
نمی دانم. به من می گفت همسرم را دوست ندارم! به اجبار با او ازدواج کرد ام.

چه شد که نقشه قتل را طرح کردی؟
نقشه قتل را «ن» کشید. او می گفت اگر همسرم را از میان برداری، همه اموال مالت می شود و دیگر به راحتی می توانی زندگی کنی!
من همسر او را ندیده بودم تا این که چند روز قبل از قتل او را به من و برادرم نشان داد چون نقشه قبلی چیز دیگری بود.
چه نقشه ای داشت؟

راز مینا در دفتر چه خاطر اتش چه بود؟!

هیچ نقشی نداشتم. با دعای بی گناهی کریم، مأموران به تحقیقات میدانی دست زدند و پی بردند مینا یادداشتی داخل دفتر خاطر اتش نوشته و تاریخ آن به شنب درگیری او و همسرش برمی گردد و آنجا عنوان داشته از اینکه نمی تواند طلاق بگیرد، خسته است و خود را از بین می برد.

همین کافی بود تا کریم بی گناه شناخته شود و ماجرای این پرزنده نیز به ایستگاه پایان تحقیقات برسد.
«منصوره»، خواهر مینا نیز می گوید: من و مینا مادرمان را در بچگی از دست دادیم، کفشن خشک نشده بود که سایه نامادری بر سرمان سنگینی کرد تا آمد همان یک ذره مهر پدری را که داشتیم از ما گرفت، اما مینا که حاضر جواب بود نسبت به تبعیض ها اعتراض می کرد، تا چشمش باز کردیم دیدیم صاحب ن خواهر و برادر ناتنی شده ایم.

پدرمان با حقوق کارگری توانخ ۱۰ سر عائله را نداشت، به همین خاطر نا نخستین خواستگارا شوهرمان می داد، مینا درش خوب بود، ولی پدرمان اجازه نداد بیشتر از سیکل ادامه بدهد. وی افزود: آقا کریم وقتی به خواستگاری خواهرم آمدم، مینا مخالف بود و او را نمی خواست. می گفت جای پدر است و هیچ احساسی نسبت به او ندارم، قبلا زن داشته، بعد از خواستگاری، نامادرم آنقدر با او صحبت کرد و ذهنیت او را به سمتی برد که مینا را راضی با ازدواج با کریم کند، ولی او مدام حرف خودش را می زد و می گفت قبول نمی کنم و مخالف می کرد تا اینکه پدرم کتک مفضلی به او زد که به جز بله چیز دیگری نباید روی زبانش بچرخد.

۸ ماه عقد بودند، ولی چه عقصدی، همه اش از عروسی نتوانستم دل مینا را به دست آورم و او هر روز بیشتر فاصله می گرفت تا اینکه دیشب تنها به خاطر اینکه من خواستم یک قطعه از طلاش را بفروشم، عصبانی شد و آینه و شیشه دکور را شکست. می دانستم علاقه ای به طلا ندارد و تنها عقده هایش را خالی می کند، اعتراضی نکردم و به اتاق دیگری رفتم و آنجا خوابیدم. صبح وقتی رفتم دیدم خواب است، بیدارش نکردم. سرر کار بودم که باجانقم آمد و گفت انگار اتفاق بدی افتاده است. به خانه آمدم و فهمیدم مینا دیگر زنده نیست و خیلی ناراحتم، اما در مرگ او

گروه حوادث - راز بی گناهی یک مرد که به خاطر مرگ مرزومز همسرش در برابر اتهام قتل بود، در دفتر چه خاطرات نهفته بود.
سحر و جادو راهم آموزش های پدر بزرگ مرحومش می دانست که ایسن حرفه را به تمام اعضای خانواده اش آموزش داده بود. مشکلات متهم جوان از زمانی شروع شد که والدینش از هم جدا شده و او چندسالی با عمویش زندگی می کرده است. اما فشارهای روانی از ناحیه خانواده عمویش را تحمل نکرده و از خانه فرار می کند.
چند وقتی درهمدی و بی خانمانی می کشد تا جایی که به پیشنهاد رفقای جدیدش، با ایجاد صفحات مختلف در فضای مجازی خودش را جای پدر بزرگش جا می زند و با استفاده از اسم او، برای خودش کان و دستگاہی راه می اندازد. پسر جوان اندک آموخته هایش از رمالی را در لایه لای فن بیان قوی و متقاعدکننده اش قرار داده و اقدام به کلاهبرداری می کند. او که به دلیل فقر، زندگی سختی داشته است با کلاهبرداری های سریالی زندگی خوبی برای خود مهیا می کند. به گفته سرهنگ جهانشیری تا کنون ۳ فقره شکایت است با کلاهبرداری های سریالی که کرده اند، اما این ها تنها شکایان پرزنده نیستند. این فرد با سو استفاده از مشکلات شهر وندان که بیشتر خانوادگی است، با وعده و وعید افراد را فریب می داده است و تعداد زیادی شاکی از سراسر کشور تاکنون از این فرد شکایت کرده اند.

استفاده از مشوره، فعال شدن باب گفت و گو میان اعضای خانواده، بساز نکردن پای افسرد غریبه به زندگی خصوصی، استفاده از ظرفیت بزرگ تر هاو حل و فصل امور با ریش سفیدی و اعتماد نکردن به تبلیغات اغوا کننده، در فضای مجازی تمام توصیه های رئیس پلیس فتای خراسان رضوی به شهر وندان بود. البته او نکته مهمی را نیز گوشزد کرد که گاهی این رمال ها با دستیابی به اطلاعات شخصی افراد مزاحمت های دیگری نیز برای آن ها ایجاد می کنند و افراد با دست خود زندگی شان را طلسم می کنند.

نیازمندیهای روزانه جزیره کیش

تلفن ۴۴۴۲۴۹۹۹ - ۴۴۴۲۰۲۸۴ (۰۷۶) سایت: www.eghtesad-kish.ir

به یک حسابرس آقا با تجربه کار حسابرسی هتل نیازمندیم
(ساکن جزیره کیش)
شماره تماس: ۰۹۱۵۲۰۰۰۱۵ ساعت تماس ۱۱ صبح الی ۱۵ عصر

استخدام

فروش، نصب و تعمیر
انواع اسپلیت، کولر، یخچال های خانگی و صنعتی، کولر ماشین، سردخانه، چیلر، داکت، پمپ آب
مهندس نجفی ۰۹۰۲۸۹۵۹۹۰۶

دعوت به همکاری
شرکت **ایمن سیستم مبتکران دارکوب کیش**
از افراد ذیل دعوت به همکاری می نماید
۱. نصاب درب اتوماتیک و کرکره برقی
۲. نصاب دوربین مدار بسته
آدرس: درخت سبز صنعت سوم پلاک ۲۷
شماره تماس ۰۳۴۴۷۳۱۰۳

به یک نفر مسئول فنی با مدرک کارشناسی صنایع غذایی یا کارشناس شیمی با گرایش مواد غذایی یا کارشناس کشاورزی با گرایش صنایع غذایی در یک شرکت تولیدی نیازمندیم
آدرس: درخت سبز صنعت ششم قطعه ۹۴ و ۹۶
شرکت اکسیر پارس کیش
شماره تماس ۰۹۳۴۷۶۹۲۷۹۰

به دو نفر نیروی خانه داری خانم در هتل آرامش نیازمندیم
مراجعه حضوری از ساعت ۹ صبح الی ۱۴
شماره تماس ۰۹۳۵۵۸۳۷۷۸۷

کارمند اداری خانم
آشنا به کامپیوتر جهت کار در یک شرکت مورد نیاز است
متقاضیان به نشانی ویلاهای مروراید روبروی هایپر مارکت بالای بانک سینا واحد ۷۱۵ مراجعه نمایند
ساعت کار: شیفت صبح (۸ تا ۳ بعدازظهر)
شیفت بعدازظهر (۲ تا ۹ شب)
دو شیفت مجزا

شرکت آریا اطلس کیش
دارای مجوز از منطقه آزاد کیش
- حسابداری
- حسابرسی
- مالیات بر ارزش افزوده
- بیمه تامین اجتماعی
- حقوق و دستمزد
اظهار نامه اشخاص حقیقی و حقوقی
مشاور مالیات و تامین اجتماعی
آدرس: خیابان ساحل بازار دیپلمات طبقه اول تجاری واحد ۱۰۹
تلفن مرکز ۰۷۶۴۴۴۶۱۱۵۱ تلفن همراه ۰۹۱۲۷۰۵۷۱۷۳

خدمات

به نیروی خدماتی خانم/آقا با سواد نیازمندیم
ساعت کار ۸ الی ۳ عصر

به یک نیروی آقا(متاهل) جهت سرایداری منزل نیازمندیم (ساکن کیش)
شماره تماس ۰۹۳۴۷۶۹۳۶۴۶

فود فور کیش
سامانه آنلاین سفارش غذا
از رستورانهای جزیره کیش
وب سایت و اپلیکیشن
www.F4k.ir

نیازمندیهای اقتصاد کیش
۴۴۴۲۴۹۹۹
۰۷۶۴۴۴۶۰۲۵
CHORTKEHKISH

استخدام مسئول دفتر شرکت مگنس پارس کیش
شغلی فوق خانمی با مشخصات ذیل را استخدام میکنم:
* مسلط به زبان انگلیسی
* دارای سابقه کار مرتبط
* ساکن جزیره کیش
* مسلط به نرم افزارهای اداری
متقاضیان رزومه کاری خود را به ایمیل زیر ارسال نمایند:
mak.vacancyannouncement@gmail.com

نیازمندیهای اقتصاد کیش
۴۴۴۲۴۹۹۹ ۴۴۴۲۰۲۸۴

شهروند گرامی کیش!
به منظور رفع نیازهای روزمره شما هر روز دهها آگهی در نیاز مند بهای روزنامه اقتصاد کیش چاپ می شود.
از آنجایی که این رسانه تنها به معرفی صاحبان کالا و خدمات و نیازمندیهای شهر وندان می پردازد لذا مسئولیتی درباره محتوای آگهی ها ندارد. لطفاً هنگام داد و ستد، با روش های مقتضی، اطمینان لازم را از صحت ادعای آگهی دهندگان به دست آورید.